

راهکارهای نهادینه سازی معاد باوری فردی از منظر قرآن و حدیث

فاطمه پورمهدی امیری^۱، طیبه روحی ارمکی^۲، محمدمهدی کریمی نیا^۳، مجتبی انصاری مقدم^۴

^۱ طلبه سطح چهار (دکتری) رشته تفسیر تطبیقی، مرکز آموزش عالی تخصصی حضرت خدیجه (س) بابل و مدیر مرکز آموزش تخصصی حضرت خدیجه (س)

^۲ دانش آموخته سطح سه (کارشناسی ارشد) رشته تفسیر و علوم قرآن، مؤسسه عالی حضرت الزهرا (س) بابل، پژوهشگر و فعال فرهنگی

^۳ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم

^۴ دانشجوی دکتری علوم و حدیث دانشگاه میبد، مدرّس دانشگاه و پژوهشگر (نویسنده مسئول)

چکیده

یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار در کنترل رفتار فردی انسان و تربیت و اصلاح او، اعتقاد به معاد است. معادباوری، پشتوانه نیرومندی برای احساس مسئولیت و پذیرفتن محدودیت های رفتاری و خودداری از ظلم و تجاوز و فساد و گناه است و همچنین نقش بسزایی در جهاد و افزایش روحیه شهادت طلبی، امنیت اجتماعی و سلامت اقتصادی و سیاسی جامعه دارد. در این نوشتار با بهره گیری از آیات و روایات، راهکارهایی عملی به منظور نهادینه کردن معادباوری در جامعه، در زمینه فردی است با روش توصیفی و تحلیلی ارائه شده است. مهم ترین نتایج حاصله عبارتند از: خردورزی و استفاده از تعقل در کنار ایمان، خودشناسی و حرکت در مسیر فطرت، توجه به عظمت مخلوقات و جایگاه انسان در جهان آفرینش، مقایسهی دنیا و آخرت، تهذیب نفس، اخلاص در همه امور، استفاده از فرصت ها، ترک تعلقات دنیوی، عبرت آموزی، داشتن وجدان کاری در محیط کار، بیان تمثیل هایی برای کودکان متناسب با درک آنها، ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در محیط های آموزشی، و انجام فعالیت های تبلیغی در سطح جامعه، از جمله راهکارهای مطرح شده در حوزه فردی به منظور نهادینه کردن معادباوری فردی در جامعه می باشد.

واژه های کلیدی: معاد، معادباوری، فردی، نهادینه کردن، راهکار.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

یکی از اصول اعتقادی دین اسلام، اصل معاد است. اعتقاد به زنده شدن پس از مرگ ظاهری و حیات دوباره، نه تنها ریشه در فطرت انسان ها دارد، بلکه در سرلوحه ی برنامه های فرهنگی و تبلیغی پیامبران الهی قرار داشته است. خدای سبحان دنیا را راه و قیامت را منزل و خانه پایانی می داند و برای اینکه هرچه بهتر و بیشتر به یاد خانه باشیم، رسولانی راه بلد می فرستد که خانه پایانی همگان را بدانند و به همه زوایای آن آگاه باشند و هرچه در باره راه و خانه می گویند، طبق وحی بوده و دلسوز به حال منحرفان و بیراهه روندگان باشند. قرآن مجید که مجموعه تعالیم آسمانی و سند نبوت آن رسول الهی است، بهترین شاهد این مدعاست. از این رو قرآن می فرماید: «قُلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْزِيَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ؛ (انعام/۱۲)؛ ای پیامبر، بگو آنچه در آسمانها و زمین است از آن کیست؟ بگو از آن خداوند و برای رسیدن به خداست. او رحمت را بر خود لازم شمرده و همه شما را در روز قیامت که شکی در آن نیست، البته جمع خواهد کرد. ولی کسانی که خود را با فریب دنیا به زیان افکندند، ایمان نمی آورند.» (عبدالله جوادی آملی، ج ۴، ص ۱۵۹-۱۶۰).

کسی که حقیقت خود را فراتر از پدیده های مادی می داند، مرگ را پایان زندگی ندانسته، آن را نقطه انتقال از جهان گذرا به جهان جاودانی می شناسد و رفتارهای شایسته خود را وسیله ای برای رسیدن به سعادت و کمال ابدی می شمارد، برنامه زندگی اش را به گونه ای طرح و اجرا می کند که هرچه بیشتر و بهتر برای زندگی ابدی اش سودمند باشد. و از سوی دیگر، سختی ها و ناکامی های زندگی دنیا، او را دلسرد و ناامید نمی کند و از تلاش در راه انجام وظایف و کسب سعادت و کمال ابدی باز نمی دارد.

یاد قیامت، یکی از عوامل موثر در وارستگی انسان است. کسی که معاد را فراموش نکند، پارسا خواهد بود؛ زیرا همه اعمال و رفتارش را تحت مراقبت ویژه قرار می دهد و سعی و تلاش همه جانبه دارد تا آنها را بر خشنودی خداوند استوار سازد. یاد معاد بهترین عامل سازنده ی انسان است. «تاثیر معادباوری منحصر به زندگی فردی نیست؛ بلکه در زندگی اجتماعی و رفتارهای متقابل افراد نسبت به یکدیگر نیز تاثیر بسزایی دارد و اعتقاد به حیات اخروی و پاداش و کیفر ابدی، نقش مهمی را در رعایت حقوق دیگران و احسان و ایثار نسبت به نیازمندان بازی می کند و در جامعه ای که چنین اعتقادی زنده باشد برای اجرای قوانین و مقررات عادلانه و جلوگیری از ظلم و تجاوز به دیگران، کمتر نیاز به اعمال زور و فشار خواهد بود و طبعا در صورتی که این اعتقاد، جهانی و همگانی شود، مشکلات بین المللی هم بصورت چشمگیری کاهش خواهد یافت.» (مصباح، ۱۳۷۷، ص ۳۳۹). از همین رو، در تحقیق حاضر بر آن است تا آثار فردی معاد باروی را، بررسی کرده و در زمینه ی نهادینه کردن این اعتقاد اصولی دین راهکارهایی ارائه داده شود.

هرچند کتب و مقالات فراوانی در زمینه معاد و آثار اعتقاد به آن نگاشته شده؛ اما تحقیق مستقلی که به ارائه ی راهکارهای عملی و قابل دستیابی در خصوص نهادینه کردن معادباوری در جامعه پرداخته شده باشد، مشاهده نشده است؛ مساله معاد و اعتقاد به آن از اصول اساسی دین به شمار می آید، ده ها کتاب و مقاله در این زمینه توسط بزرگان صاحب نام و برخی از اندیشمندان و صاحب نظران، به رشته ی تالیف درآمده است که بخش عمده ای از این کتب به بررسی معاد از حیث اعتقادی و نظری پرداخته اند. از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:- کتاب "معاد در قرآن" اثر آیت الله جوادی آملی، ۱۳۸۰ و

کتاب "معاد و جهان پس از مرگ" اثر آیت الله مکارم شیرازی، ۱۳۸۴ همچنین کتاب "معاد شناسی در پرتو کتاب و سنت و عقل" اثر آیت الله سبحانی، ۱۳۷۰ و نیز مقالاتی مانند: - "تاثیر اعتقاد به معاد در اخلاق اسلامی" اثر سید مصطفی محمدی، ۱۳۸۹ و - "نقش معادباوری در اصلاح زندگی انسان از نگاه امام علی (ع)" اثر سعیده علی محمدی، ۱۳۹۲، که هیچ کدام از این آثار مستقیم به معاد باوری فردی نپرداختند.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱- معاد

معاد از «عود» می‌باشد و عود به معنای رجوع و برگشتن است؛ راغب آنرا بازگشتن بعد از انصراف می‌داند، آیات قرآن نیز موید آن است زیرا حمل استعمال آن در قرآن نوعاً در بازگشت به شی اول است. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۵۹۳) معاد مصدر میمی و اسم زمان و مکان است. (علی اکبر قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۶۶) معاد به معنی بازگشتن است و همچنین زمانی که در آن باز می‌گردند و نیز برای مکانی است که به آنجا باز می‌گردند. لفظ "معاد" در سه معنا به کار برده شده است: - مصدری: عود و بازگشتن؛ یعنی برگشتن ارواح به بدن های خود- اسم زمان: یعنی زمان برگشت روح به بدنی که در حیات دنیوی به آن تعلق داشت که آن زمان همان روز قیامت است. - اسم مکان: مکان بازگشت؛ یعنی مکان برگشت روح به بدنی که در حیات دنیوی به آن تعلق داشت که آن مکان همان آخرت است. (راغب اصفهانی، ص ۵۹۴)

۱-۲- معادباوری

برای معادباوری دو کاربرد خاص و عام بیان می‌شود. منظور از اصطلاح خاص، ایمان و اعتقاد به ادامه زندگی انسان پس از مرگ و پاسخگو بودن در قبال اعمال و در نهایت متنعم شدن نیکوکاران و صالحان از نعمت های بهشتی، و برخورداری بدکاران و گناهکاران از عذاب الهی است.

اما معادباوری در اصطلاح عام، ایمان و اعتقاد به بازگشت همه ی مخلوقات اعم از بی جان و جاندار به سوی خداوند است. «(علیرضا اسعدی، ۱۳۹۱، ص ۳۳)

علامه طباطبایی اقامت انسان در این جهان خاکی را تنها بخش کوتاهی از زندگی انسان قلمداد می‌کند و می‌گوید: «انسان، ساعی به جانب ربّ است؛ زیرا که همواره از ابتدای خلقتش به سوی او در حرکت بوده و به همین جهت در بسیاری از آیات، از اقامت او در دنیا به "لبث" و یا "مکث" تعبیر کرده است». (محمدحسین طباطبایی، ۱۳۸۹، ص ۷۳)

۱. راهکارهای نظری نهادینه کردن معادباوری در زندگی فردی

طبق جهان بینی مادی، انسان پدیده‌ای مادی است که با مردن، جسم و روحش نابود می‌گردد. اما طبق جهان بینی الهی، انسان علاوه بر بعد مادی، دارای بعد روحانی نیز می‌باشد و این بعد، با مردن و متلاشی شدن جسم از بین نمی‌رود. این جهان منزلگاه دائمی انسان نیست؛ بلکه فرصتی است برای او تا در عرصه‌ی خودنمایی خوبی‌ها و بدی‌ها، مسیر درست را انتخاب کند. گاهی انسان دچار غفلت و فراموشی می‌شود، گاه خالق خود را انکار می‌کند، به ناسپاسی روی می‌آورد و گاه مقصد اصلی را فراموش می‌کند. گاه خوشی‌ها و مقام‌های دنیوی چون ثروت و قدرت، زیبایی و سلامت، سبب می‌شود تا او در درون خود تمایلی برای یادآوری مقصد نهایی نداشته باشد و به عبارت دیگر، ندای وجدان را سرکوب می‌کند. هرچه این غفلت عمیق تر باشد، انسان از سعادت دنیوی و اخروی باز می‌ماند. بنابراین پرداختن به مقوله ی معاد و معادباوری، یکی از ضروریات عصر حاضر به نظر می‌-

رسد. این برای نهادینه کردن معادباوری فردی؛ انسان نیاز به معرفت و هدایت از سوی داده‌های الهی دارد که در این جستار به نمونه‌هایی از آن‌ها بررسی می‌گردد:

۱-۲. خردورزی و استفاده از تعقل در کنار ایمان

خداوند کریم برای شناخت معارف دین و دنیا فوه تعقل به موجودات بخصوص انسان‌ها عطا کرده است. با اینکه معاد برای انسان قابل ملموس نیست ولی با تعقل و اندیشه انسان می‌تواند به حتمی بودن آن برسد؛ برای همین پروردگار منان یکی از اصل دین و نشانه‌های ایمان را معاد و باورداشتن به آن قرار داده است. چنان‌که یکی از مفسرین معاصر نقل کرده است: «معاد از اصول دین است و اثبات آن از طریق تقلید انجام نمی‌گیرد. این نکته، اهمیت بکارگیری تعقل را در کشف ضرورت و امکان معاد بیش از پیش روشن می‌سازد. اصرار قرآن کریم بر تفکر و تعقل برای آن است که عقل، اولین معیار شناخت تلقی گردد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۷۳)

ایمانی که با عقل همسو باشد، با دوام خواهد بود. قرآن کریم هم در زمینه اعتقاد به معاد، انسان‌ها را به اندیشیدن فرا می‌خواند: «وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (مومنون/۸۰). تاکید قرآن بر همراهی ایمان به معاد و تعقل، حاکی از تأکیدی هدف‌دار بر اهمیت اندیشیدن است. اندیشمند بزرگ حضرت آیه‌الله آملی می‌فرماید: «تاکید بر جایگاه و نقش تعقل در امور، در روایات و احادیث نیز بسیار مشهود و چشمگیر است. همان‌طور که پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «لِكُلِّ شَيْءٍ مَطِيئَةٌ وَمَطِيئَةُ الْمَرْءِ الْعَقْلُ؛ هر پوینده‌ای مرکبی دارد و مرکب انسان، خرد اوست.» (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۹، ص ۱۵۲)

حضرت علی (ع) هم در نکوهش عبادت بی‌حاصل افراد فاقد تعقل، می‌فرماید: «بسا روزه داری که بهره‌ای جز گرسنگی و تشنگی از روزه داری خود ندارد و بسا شب زنده‌داری که از شب زنده‌داری چیزی جز رنج و بی‌خوابی به دست نیاورد. خوشا خواب زیرکان و افطارشان!» (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۵)

البته تعقلی که مد نظر اسلام است، تعقلی می‌باشد که منجر به عمل سنجیده و عاقلانه شود. لذا لازمه پذیرش و درک دین، تعقل است. «مربیان و والدین، باید در راهی قدم بردارند که شناخت فرزندان از تعقل حاصل شود؛ تا بدین ترتیب بتوان انتظار این را داشت که شناخت آنها در اعمالشان نیز پدیدار شود.» (سوسن کشاورز، مجله پیوند، شماره ۳۵۷، ۱۳۸۸، ص ۱۷).

تعقل و تفکر، راهی برای کسب علوم است و علمی که با تعقل حاصل شود، در طوفان‌های شبهات، ثابت قدم خواهد ماند. بنابراین؛ برای اینکه اعتقاد به معاد، در وجود انسان نهادینه شود، لازم است تا همراه عقلانیت باشد؛ زیرا آنچه را عقل می‌پذیرد، برای دل هم قابل قبول تر می‌شود. (سوسن کشاورز و محسن زهری، فصلنامه علمی-پژوهشی تربیت اسلامی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۰-۱۵۱)

با استناد به آیات و روایات و سخنان گرانبها بزرگان می‌توان دریافت که یکی از راه‌های نهادینه کردن معادباوری تعقل و اندیشه درست انسانی می‌باشد. به شرط این‌که انسان از عقل سلیم برخوردار بوده و در قضاوت و درک دچار تعصب و مشوش نباشد. چه بسا جاحدانی را می‌بینیم با این‌که از قوه تعقل کامل برخوردار هستند ولی منکر معاد هستند چون از روی تغفل آزاد قضاوت نمی‌کنند و متعصبانه قضاوت می‌کنند.

۲-۲. معرفت بخشی نسبت به حقیقت معاد

در بحث معادباوری، اولویت، روشنگری در زمینه‌ی معاد است؛ زیرا در اکثر موارد، ترس از معاد، موجب می‌شود تا فرد از آن گریزان باشد و حتی تمایلی برای تفکر در باره آن نداشته باشد. از سویی دیگر، این ترس از مرگ، ناشی از عدم شناخت کامل نسبت به حقیقت معاد است. مشکل اصلی وقتی نمایان می‌شود که مرگ را برای انسان، نیستی بینداریم و همین طرز تفکر سبب می‌شود تا یادآوری مرگ برایمان دشوار و ناگوار شود؛ درحالی‌که چنین نیست و مرگ به تعبیر شهید مطهری، نیستی نسبی است: «مرگ نیستی است، ولی نه نیستی مطلق؛ بلکه نیستی نسبی؛ یعنی نیستی در یک نشئه و هستی در نشئه‌ی دیگر» (مرتضی مطهری، ۱۳۷۲، ص ۱۷۸)

براساس همین دیدگاه است که یاد مرگ در تربیت اسلامی، جایگاه ویژه‌ای دارد. حضرت علی(ع) امیر کلام در کتاب شریف نهج البلاغه می‌فرماید: «مردم! شما را به یادآوری مرگ سفارش می‌کنم. از مرگ کمتر غفلت کنید. چگونه مرگ را فراموش می‌کنید درحالی‌که او شما را فراموش نمی‌کند؟» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۸). بینش درست نسبت به حیات دنیوی و اخروی، سبب می‌شود تا بدانیم که دنیا فرصتی طلایی و تکرار نشدنی برای نیل به سعادت واقعی در جهان آخرت است.

اگر بخواهیم فردی معادباور تربیت کنیم، کافی است او را با معاد آشنا کنیم و ابعاد و دلایل وقوع آن را با منطق تبیین کنیم. در این صورت، نه تنها ترسی از معاد وجود نخواهد داشت، بلکه فرد آمادگی لازم را در این دنیا کسب خواهد کرد و به انتظار نتیجه‌ی اعمالش خواهد نشست.

۲-۳. خودشناسی و حرکت در مسیر فطرت

شناختن مبدأ و معاد، موقوف بر شناختن نفس است. ابتدا بایستی خود را بشناسیم تا اینکه به شناسایی مبدأ و معاد پی ببریم. چنانچه پیغمبر اکرم (ص) فرموده: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ؛ کسی که خود را شناخت، خدای خود را شناخته است. «جهل و خطای ما ناشی از این است که خود را نمی‌شناسیم و نمی‌دانیم که حقیقت و شالوده‌ی ما مرکب از روح و بدن است.» (نصرت بیگم امین، ۱۳۸۷، ص ۷۵)

«انسان برای اینکه از حرکت درست فطرت خویش در مسیر معادباوری و در نتیجه کسب آرامش روحی و درونی اطمینان حاصل کند، نیاز به تغییر دادن بنیادین در فطرت خویش ندارد؛ بلکه کافی است مسیری متناسب با تمایلات فطری خویش برگزیند.» (علیرضا اعرافی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۲۸۳) از سویی دیگر، همان طور که می‌دانیم، انسان موجودی تربیت‌پذیر و دارای قدرت حرکت در مسیر تکامل خویش می‌باشد.

اگر انسان‌ها درست تربیت شوند یعنی تربیت صحیح الهی، نفس طبق فرمایشات قرآن؛ نفس در دستانش مسخر و رام شده و او را به سوی اهداف الهی پشتیبانی خواهد کرد و رقتی مضاعف خواهد بخشید. ابن سینا معتقد است که نزدیک‌ترین چیز به انسان، نفس اوست. لذا بهترین روش برای هدایت صحیح فطرت در مسیر درست که همانا گرایش به قرب الهی و حیات طیبه و در نتیجه معاد باوری، خودشناسی می‌باشد. در پی خودشناسی است که تربیت معنا می‌گیرد. اگر انسانی می‌خواهد فطرت خویش را در مسیر معادباوری رهنمون سازد، باید در گام اول از اصل فطرت و هستی خویش آگاهی یابد تا بتواند ناپاکی‌ها و گرد و غبار زندگی روزمره را از آن بزدايد و خوشی‌های پایدار را از ناپایدار تشخیص دهد.

شهید مطهری در این مورد معتقد است: « که علت دزدگی سریع انسان از لذت ها، کمال طلبی انسان است. فقط وقتی می تواند به آرامش کامل برسد که به کمال رسیده باشد.» (مرتضی مطهری، ۱۳۷۷، ص ۱۶۹) بنابراین با بهره گیری از روش های خودسازی، خود شکوفایی، فراهم آوردن فرصت هایی برای تأمل درونی و تذکر، است و می توان موقعیت های مناسبی برای بیداری فطرت فراهم آورد. خودشناسی یکی از گامهای معاد باوری و نهادینه کردن آن در وجود هرانسانی است. طبق آثار موجود انسان با تربیت صحیح نفس می تواند در مسیر معادباوری قدم برداشته و سرنوشت خود را درست رقم بزند.

۲-۴. تقویت بینش نسبت به مسأله توحید

مسئله معاد و اعتقاد و باور به آن ارتباط مستقیمی با مبدأ باوری؛ یعنی توحید دارد. خداوند در قرآن کریم در این باره می فرماید: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ؛ همانا ما از خداییم و به سوی او باز می گردیم.» (بقره/ ۱۵۶). آقای حسینی در این مورد می گوید: «در این آیه لزوم توأمانی مبداء و معاد کاملاً آشکار است؛ یعنی معتقد به معاد، بالضروره باید به مبداء هم اعتقاد داشته باشد. این آیه مسیر و هدف خلقت بشر را بیان می کند که از کجا شروع و به کجا ختم می شود.» (سید مهدی حسینی، ۱۳۹۴، ص ۴۸). اگر خداشناسی انسان کامل باشد، باید به حکمت و عدالت خدا اذعان داشته باشد آیه الله جوادی بر این نظر است که: « خداوند پیامبران الهی را برای راهنمایی و رشد بشر فرستاده است و باور داشته باشد که خداوند روزی همه ی انسان ها را گرد هم می آورد و اعمال همه را بدون کم و کاست به آنها نشان خواهد داد، به هیچ کس ظلم و ستمی نخواهد شد و هر کس را به آنچه از پیش فرستاده خواهد رساند.» (عبدالله جوادی آملی، ج ۵، صص ۱۳۷-۱۳۹)

در جهان بینی اسلامی، اعتقاد به مبدأ و معاد از هم جدا نیست و هر دو جلوه یک حقیقتند، یعنی خداشناسی حقیقی بدون التزام به معاد باوری و بالعکس ممکن نیست. بنابراین، برای تقویت اعتقاد فرد به معاد، نخست باید بینش فرد نسبت به توحید تقویت شود. برای تقویت درست توحیدی بهترین روش؛ استفاده از آموزه های دینی است که کتاب مقدس قرآن؛ جلوه زیبایی از مسأله توحید را در اکثر سوره هایش به نمایش گذاشته است.

۲-۵. توجه به عظمت مخلوقات و جایگاه انسان در جهان آفرینش

انسان، به عنوان یکی از موجودات زنده، جایی بسیار کوچک را در این جهان وسیع اشغال کرده است. سیاره ای که ما در آن زندگی می کنیم در جهان به اندازه ی غبار است و در کهکشان قرار گرفته که با سرعت بسیار زیادی در جهان حرکت می کند. «أَنْتُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فَيَوْمئِذٍ تَجْعَلُونَ لَهُ أُنْدَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ (فصلت/ ۹)». طبق آخرین اطلاعات علمی به دست آمده، در جهان حدود ۲ تریلیون کهکشان وجود دارد و راه شیری به عنوان خانه ی ما، تنها یکی از آن ها به شمار می رود و در فضایی قرار گرفته است که ۹۲ میلیارد سال نوری وسعت دارد. نسبت اندازه ی زمین به جهان، مانند یک دانه ی شن به صحرای بزرگ آفریقا است. حال تصور کنید که ما تا چه اندازه کوچک هستیم که روی این دانه ی شن زندگی می کنیم. همین انسان که جزئی بسیار کوچک در جهان آفرینش است، توانایی دگرگونی یک جهان و تبدیل شدن به اشرف مخلوقات را دارد؛ اما نکته قابل ذکر در این موضوع، تاثیر توجه به جایگاه انسان؛ به عنوان یکی از میلیون ها مخلوق خداوند؛ در یادآوری عظمت خداوند و نهادینه شدن خدا باوری و معادباوری در وی می باشد. " ما خلقنا السماء و الأرض و ما بینهما باطلاً ذالک ظنّ الذین کفروا... " (ص/ ۲۷) انسان با اندیشه روشن و با توجه به مخلوقات آفریده می یابد هیچ چیز بیهوده به وجود نیانده است بلکه هدف از آفرینش موجودات دستیابی به کمال است که در این دنیا و یا در آخرت معادی که در انتظار موجودات هست دست یافتنی است.

۲-۶. بیان ارزش، منزلت و آثار پر برکت آخرت‌گرایی

از این‌که خداوند انسان را خلیفه الله معرفی کرده است شکی نیست؛ و این‌که چرا در میان مخلوقات این موجود را خلیفه دانست شاید بتوان با این آیه جواب داد: «وَأَذْكُرُ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ أُولَى الْأَيْدِي وَ الْأَبْصَارِ إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ؛ (ص/۴۵-۴۶) و بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را یاد کن که دارای قدرت و بصیرت بودند. ما آنان را با اصفت بسیار پرارزش [یاد کردن سرای آخرت با اخلاصی ویژه خالص ساختیم.» به سبب عبادت خالص و همراه با اعتقاد به مقصد هستی این انسان از دیگر موجودات؛ سبقت گرفته است. با وجود این دو صفت در انسان، او موجودی با ارزشی والا و منزلتی عظیم برای آخرت‌گرایی انتخاب شده است.

خدای سبحان آخرت‌اندیشی را وسیله خالص کردن پیامبران بزرگ خود قرار داده است. موهبتی گران‌بها که هر مؤمنی در آرزوی دست یافتن به آن است؛ مقام مخلصین، همان جایگاه و قلعه ایمنی که شیطان از نفوذ به آن اظهار عجز کرد و به خداوند متعال این‌گونه عرضه داشت: «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ؛ به عزتت سوگند همه آنان را گمراه می‌کنم، مگر بندگان خالص شده‌ات» (ص/۸۲ و ۸۳). لذا یکی از راه‌های نهادینه کرده معاد باوری فردی را می‌توان، بیان ارزش‌های انسان دانست.

۲-۷. مقایسه دنیا و آخرت

«وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (عنکبوت/ ۶۴) «این زندگی دنیا جز لهو و لعب چیزی نیست و سرای آخرت زندگی واقعی است، اگر آنها می‌دانستند». در این آیه برای این‌که اندیشه آنها را از افق این زندگی محدود فراتر برد و جهان وسیع‌تری در برابر دید عقل آنها بگشاید، چگونگی زندگی دنیا را در مقایسه با زندگی جاویدان سرای دیگر، در یک عبارت کوتاه و بسیار پر معنی بیان می‌گردد که تعبیری جالب و رسا است؛ چراکه «لهو» به معنی سرگرمی است و هر کاری که انسان را به خود مشغول می‌دارد و از مسائل اصولی زندگی منحرف می‌کند لعب است.

همان‌طور که از مفسرین نمونه بیان شده است: ««لعب» به کارهایی می‌گویند که دارای یک نوع نظم خیالی برای یک هدف خیالی است (بازی)؛ زندگی دنیا یک نوع سرگرمی و بازی است، مردمی جمع می‌شوند و به پندارهایی دل می‌بندند، بعد از چند روزی پراکنده می‌شوند و در زیرخاک پنهان می‌شوند، سپس همه‌چیز به دست فراموشی سپرده می‌شود؛ اما حیات حقیقی که فنایی در آن نیست، نه درد و رنج و ناراحتی و نه ترس و دلهره در آن وجود دارد و نه تضاد و تزاحم، تنها حیات آخرت است. «حیوان» (بر وزن ضربان) به اعتقاد جمعی از مفسران و ارباب لغت به معنی حیات است (معنی مصدری دارد)؛ اشاره به اینکه سرای آخرت عین زندگی و حیات است، گویی حیات از همه ابعاد آن می‌جوشد و چیزی جز زندگی در آن نیست!» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۴۰)

خداوند منان در آیات نورانی دیگر به اصل زندگی بشر در سفر زمینی‌اش می‌فرماید: «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهُوٌّ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فَتَرْتَهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ؛ بدانید که زندگی این جهان، بازیچه است و بیهودگی، آرایش و فخرفروشی و افزون‌جویی در اموال و اولاد، همانند بارانی به‌وقت است که رویدنی‌هایش کافران را به شگفت افکند؛

سپس پژمرده می‌شود و بینی که زرد گشته و خاشاک شده؛ و در آخرت، نصیب گروهی عذاب سخت و نصیب گروهی، آمرزش خدا و خشنودی او است و زندگی دنیا جز متاعی فریبنده نیست.» (حدید/ ۲۰).

در این آیه، نکات منفی دنیا را یک به یک می‌شمارد؛ بازی و سرگرمی، تجمل‌پرستی و تفاخر، افزون‌طلبی در اموال و فرزندان که سرچشمه‌های گناهان و آلودگی‌های دنیوی است و در قسمت بعد از شیوه تمثیل استفاده می‌نماید تا مطلب هر چه بهتر تفهیم شود و در آخر آیه به سرانجام انسان در آخرت مانند عذاب الهی و یا نیل به مغفرت و رضوان الهی می‌پردازد.

و در سوره قصص پروردگار متعال اشاره می‌کند که اگر انسانها عاقل باشند آخرت برمتاع زندگی دنیا ترجیح دارد: «وَمَا أَوْتِيْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ زِينَتُهَا وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ؛ و آنچه از نعمت‌ها به شما داده شد، متاع و زیور بی‌قدر زندگی دنیاست و آنچه نزد خداست بسیار برای شما بهتر و باقی‌تر است، اگر فهم و عقل را به کار بندید.» (قصص/ ۶۰)

خدای سبحان با در کنار هم قراردادن دو پدیده دنیا و آخرت که یکی کوتاه‌مدت و زودگذر و دیگری جاودانه و ماندگار است، سطح بینش و آگاهی مخاطبین خود را بالا می‌برد و با این روش، موجب گرایش آنان به آخرت می‌شود. در روایات زیادی به این نکته پرداخته شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «أَلَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّمَا الدُّنْيَا عَرَضٌ حَاضِرٌ، يَأْكُلُ مِنْهَا الْبَرُّ وَ الْفَاجِرُ وَ إِنَّ الْآخِرَةَ وَ عَدُوٌّ صَادِقٌ يَحْكُمُ فِيهَا مَلِكٌ قَادِرٌ؛ هان ای مردم! دنیا متاعی است آماده که نیکو و بد از آن می‌خورند و آخرت وعده‌ای است راست که فرمانروایی توانا در آن روز داوری می‌کند.» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵۶)

و در جای دیگر می‌فرماید: «إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارٌ مَجَازٍ وَ الْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ، فَخُذُوا مِنْ مَمَرِكُمْ لِمَقَرِّكُمْ؛ همانا دنیا سرای گذر است و آخرت سرای ماندن؛ پس از گذرگاه خود برای اقامتگاهتان توشه بگیرید.» (همان).

در این جملات نورانی حضرت تلاش دارند حقانیت وعده آخرت و جاودانگی و ابدی بودن آن را در ضمن مقایسه با دنیا برای مسلمانان بیان داشته و به این وسیله به تقویت آخرت‌گرایی در آنان می‌پردازد.

۸-۲. ترغیب

ترغیب از «رُغْبَةٌ» مشتق شده و به معنای میل و اشتیاق است. «ترغیب» در اصطلاح عبارت است از: سلسله رفتارهایی (رفتار در اینجا اعم از گفتار و کردار است) در حوزه تربیت که در فرد برای انجام یا استمرار کاری، ایجاد شوق و انگیزه می‌کند. نظام انگیزشی، اثر شگرفی در سمت و سو دادن به رفتار انسان‌ها دارد، ترغیب از روش‌های مهم این نظام تربیتی است که مریبان الهی بشریت از آن بهره‌های وافری در جهت برانگیختن مردم به اعمال صالح و اجتناب دادن آنان از گناه، گرفته‌اند.

داودی می‌گوید: «تأثیر و کارایی این روش، ریشه در ویژگی‌های روان‌شناختی انسان دارد؛ انسان مانند سایر موجودات دارای شعور، به‌صورت طبیعی به‌سوی اموری گرایش دارد که برای او مایه لذت، منفعت، آسایش و رفاه هستند و از اموری روی‌گردان و متنفر است که برایش مایه درد، سختی و مشقات است.» (داودی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۶)

ترغیب، از روش‌های تربیتی است که در قرآن کریم و سیره معصومین بسیار مورد استفاده قرار گرفته و بر آن تأکید شده و تعداد زیادی از آیات قرآن به این مهم اختصاص یافته است. البته ترغیب هم با توجه به درجات و ظرفیت‌های انسان‌ها، مراتب و درجاتی دارد؛ گاهی خداوند سبحان برای ایجاد شوق و انگیزه در بندگان که در سطح فکری متوسطی هستند، نعمت‌های مادی بهشت را ذکر می‌کند و از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها سخن به میان می‌آورد: «إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا حَدَاقًا وَ أَعْنَابًا وَ كَوَاعِبَ

تُرَابًا وَ كَأْسًا دِهَاقًا لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لُغْوًا وَ لَا كِدَابًا؛ مسلماً برای پرهیزگاران نجات و پیروزی بزرگی است، باغ‌هایی سرسبز و انواع انگورها و حوریانی بسیار جوان و هم‌سن و سال و جام‌هایی لبریز و پیایی (از شراب طهور)، در آنجا نه سخن لغو و بیهوده‌ای می‌شنوند و نه دروغی» (نبا/۳۱-۳۵)

در این زمینه احادیث فراوانی به ما رسیده است، از جمله روایاتی که در آنها درجات بهشت و مراتب آن بیان شده است:

امام صادق علیه السلام پایین‌ترین درجه بهشت را این‌گونه توصیف می‌نماید: «إِنَّ أَدْنَىٰ أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنْزِلًا لَوْ نَزَلَ بِهِ الثَّقَلَانِ - الْجِنُّ وَالْإِنْسُ - لَوَسِعَهُمْ طَعَامًا وَ شَرَابًا وَ لَا يَنْقُصُ مِمَّا عِنْدَهُ شَيْءٌ؛ دُونَ پایه‌ترین فرد بهشت چنان است که اگر جن و انس میهمان او شوند، همه را از خوراک و آشامیدنی پذیرایی می‌کند و از آنچه دارد چیزی کم نمی‌شود!» (کنز العمال: ۳۹۲۸۱، ۳۹۲۹۲)

اما خداوند در قرآن کریم برای انسان‌هایی در سطوح بالاتر، نعمت‌های معنوی بهشت را بیان می‌کند و از لقاءالله، مقام رضوان و لذت نظاره بر جمال دل‌آرایش، سخن می‌راند: «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ مَسَاكِينَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَ رِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛ (توبه/ص/۷۲) خداوند به مردان و زنان باایمان، باغ‌هایی از بهشت وعده داده که نهرها از زیر درختانش جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند و مسکن‌های پاکیزه‌ای در بهشت‌های جاودان (نصیب آنها ساخته) و برتر و بزرگ‌تر از هر نعمت، مقام رضا و خشنودی خداست و آن به حقیقت پیروزی و رستگاری بزرگ است.». جمله «وَ رِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ» اشاره به این دارد که اندکی از رضایت و خشنودی خداوند از تمام نعمت‌های بهشتی که بیان شد، بهتر و بالاتر است، زیرا خشنودی اوست که باعث کمال هر سعادت و نیک‌بختی و موجب هرگونه رستگاری می‌شود و به سبب خشنودی اوست که انسان از بزرگداشت و بخشش او بهره‌مند می‌شود و بخشش و کرامت، بزرگ‌ترین نوع پاداش و اجر و ثواب است.» (فضل ابن‌الحسین طبرسی، ج ۲، ص ۹۶)

۲-۹. ترهیب

ترهیب از «رهبه» یا «رهب» مشتق شده است؛ بنابراین ترهیب عبارت است از: «ایجاد خوف و ترس نسبت به چیزی در یک یا چند فرد» (انیس ابراهیم و غیرهم، ۱۳۶۷، بخش ر-ه-ب) و در اصطلاح عبارت است از: سلسله رفتارهای بازدارنده‌ای که در حوزه تربیت موجب می‌شود فرد از انجام یا استمرار کار ناپسندی دست بردارد. ترهیب نیز از جمله روش‌هایی است که در نظام انگیزشی مورد استفاده قرار می‌گیرد و به عنوان یک عامل سوق‌دهنده و هشداردهنده، باعث بیداری و هوشیاری انسان می‌شود.

اهمیت این شیوه انگیزشی، تا بدانجاست که خداوند متعال در بسیاری موارد فعل انذار را به خود نسبت می‌دهد و بندگانش را از عذاب بیم می‌دهد. «إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَأْلَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا؛ (نبا/ ۴۰) و ما شما را از عذاب نزدیکی بیم دادیم! این عذاب در روزی خواهد بود که انسان آنچه را از قبل با دست‌های خود فرستاده می‌بیند و کافر می‌گوید: ای کاش خاک بودم. (و گرفتار عذاب نمی‌شدم)» پروردگار عالم به خاتم پیامبرانش دستور می‌دهد دعوتش را با انذار و ترهیب آشکار و آغاز نماید «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ؛ و خویشاوندان نزدیکت را انذار کن!» (شعراء/ ۲۱۴)

معلم‌ان آسمانی، برای نهادینه کردن باور معاد و یاد آخرت به این شیوه توجه داشته‌اند و بسیاری از حرکت‌های هدایت‌گرانه خود را با این شیوه انجام می‌دادند. شاید یکی از حکمت‌های تأکید بر این شیوه، این باشد که انسان از نظر روان‌شناختی شاکله

ای دارد که بر محور "خود" استوار است، این خود از ضرر کردن اجتناب می‌کند و نسبت به اخطارها عکس‌العمل نشان می‌دهد. واکنش انسان نسبت به ترهیب، بیشتر از ترغیب است؛ و هشدار در تحریک و تهییج او اثرگذارتر است؛ از این‌رو، آیات و روایات بیشتری به این روش تربیتی اختصاص یافته است. در کلام وحی و فرمایشات معصومین، ترهیب به صورت‌های گوناگون مطرح شده است. «بیان توصیفاتی از لحظات جان سپردن، بیان عذاب‌های قبر، ترسیم صحنه‌های قیامت، بیان سخنان دوزخیان با یکدیگر و با نگهبانان جهنم و بیان عذاب‌های جسمانی و حسرت‌های روحی جهنم.» (حسین شریفی و محمد داوودی، ۱۳۸۹، ص ۴۸-۵۶)

امیر المومنین علیه السلام در نهج البلاغه در وصف روز قیامت می‌فرماید: «آن روزیست که حق تعالی در آن خلق اولین و آخرین را برای رسیدگی به حساب ایشان به دقت و جزا دادن ایشان را موافق اعمالشان. حال مردم در آن روز به این نحو است که خاضع و فروتن ایستاده‌اند و زمین ایشان را به سختی و شدت می‌جنباند و از همگی مردم حال آن کسی بهتر است که برای قدم‌های او جایی باشد و به قدری که بخواهد نفس بکشد، محل نفس داشته باشد.» (شیخ عباس قمی، ۱۳۸۶، ص ۷۶)

۱۰-۲. تقویت روحیه امیدواری و هدفمندی در زندگی

امید به رحمت خداوند، که قدرت بی‌انتهای او دارد، مطابق فطرت انسان است. اما اگر فطرت پوشیده شود ناامیدی به سراغ او می‌آید. «امید» یک حالت روحی و روانی و برانگیزاننده انسان به کار و فعالیت است. حضرت علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: قَرَّنتُ الْهَيْبَةَ بِالْخَيْبَةِ؛ ترس با ناامیدی همراه است.» (نهج البلاغه، حکمت ۲۱)

برخی آیات، قطع امید نسبت به خدا و روز قیامت را منشأ فسادها، تبه‌کاری‌ها، انجام کارهای ناپسند، طغیان و سرکشی و منتهی شدن کار انسان به شقاوت ابدی می‌دانند: "إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ (یونس/ ۷)؛ مسلماً کسانی که دیدار [قیامت] ما [و محاسبه شدن اعمالشان] را امید ندارند و به زندگی دنیا خشنود شده‌اند و به آن آرام یافته‌اند و آنان که از آیات ما بی‌خبرند. (ترجمه انصاریان).

و در بیان دیگر از کلام الله آمده است: "وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتْوًا كَبِيرًا" (فرقان/ ۲۱) و آنان که به دیدار [قیامت و محاسبه اعمال به وسیله] ما امید ندارند، گفتند: چرا بر ما فرشتگانی نازل نشد، یا [چرا] پروردگاران را نمی‌بینیم؟ به راستی که خودشان را در درون خود بزرگ شمردند و دچار سرکشی بزرگی شدند. (ترجمه انصاریان)

به طور طبیعی انگیزه‌ی انسان در کارهای اختیاری، امید به نفع یا ترس از زیان است. در واقع، خوف و رجا به منزله نیروی اجرایی برای حرکت بوده، عامل مستقیم تلاش‌ها و رفتارهای انسانی است. بشر به طور طبیعی در طول زندگی در این جهان، با نگرانی‌ها و اضطراب‌های بسیاری روبرو بوده و همواره جهت پیروزی بر آنها و از میان بردن عوامل پیدایش آنها کوشیده است. از سویی دیگر امید به آینده و دستیابی به آرامش، ارتباط عمیقی با نوع جهان بینی هر فرد دارد؛ چنان که اگر فردی مبنای زندگی خود را بر ناامیدی قرار دهد، برای او آینده‌ای جز پوچ‌گرایی محتمل نیست. از طرفی، انسانی که به ماورای طبیعت اعتقاد دارد و نظام خلقت را محدود به دنیا نمی‌پندارد، در تاریک‌ترین لحظات زندگی نیز احساس تنهایی نمی‌کند؛ زیرا همیشه به لقاء پروردگار و پاداش اخروی امیدوار است. چنین انسانی همواره به یاد خدا و با در نظر گرفتن سرای آخرت زندگی می‌کند.

نتیجه گیری

یکی از بنیادی‌ترین باورهای دینی، اعتقاد به معاد است و این اعتقاد نه تنها ریشه در فطرت انسان‌ها دارد، بلکه در سرلوحه‌ی برنامه‌های فرهنگی و تبلیغی پیامبران الهی قرار گرفته است. مسأله به یادآوری معاد و حوادث مربوط به قیامت در قرآن به صورت مکرر و با بیانات گوناگون، مطرح شده که خود حاکی از اهتمام ویژه کتاب الهی به این اصل مهم اعتقادی و ضرورت ایمان به قیامت است تا آدمی با شناخت معاد و عالم پس از مرگ، آمادگی ورود به جهانی را که نامانوس بوده و از سنخ جهان مادی نیست. این حقیقتی است که بدون باور داشتن به آن، نائل آمدن به سعادت ابدی میسر نخواهد بود.

هر زمان اعتقاد و باور به قیامت در تار و پود جامعه و فرد نهادینه شد و مردم آگاهانه و صادقانه به این باور دینی ایمان آوردند، دستاوردهای مهم و بزرگ در زندگی فردی آنان به وجود آمد؛ و هر زمان که این باور تضعیف شد، آسیب پذیری فردی نیز افزایش یافته است.

معادباور کسی است که از طریق استدلال صحیح، به آموزه‌ی معاد معرفت پیدا کند و از صمیم دل آن را بپذیرد. این نوع معادباوری وقتی کامل می‌شود که در مرحله عمل و سبک زندگی، حضور پررنگی داشته باشد و در عرصه‌ها و نهادهای مختلف زندگی بشری اثر بگذارد. به همین منظور لازم است تا ضمن آشنایی با جایگاه معاد در قرآن و روایات، و بررسی آثار معادباوری در زندگی فردی، تبیین راهکارهای نهادینه کردن معاد باوری در جامعه پرداخته شود. خردورزی و استفاده از تعقل در کنار ایمان، خودشناسی و حرکت در مسیر فطرت، توجه به عظمت مخلوقات و جایگاه انسان در جهان آفرینش، مقایسه‌ی دنیا و آخرت، تهذیب نفس، اخلاص در همه‌ی امور، استفاده از فرصت‌ها، ترک تعلقات دنیوی، عبرت آموزی، داشتن وجدان کاری در محیط کار و ... از راهکارهای موثر فردی در جهت نهادینه کردن معادباوری فردی می‌باشند.

اعتقاد به معاد، نگاه انسان را به دنیا تغییر داده و فرد معتقد به معاد، دنیا را به عنوان وسیله و ابزاری برای رسیدن به اهداف والای انسانیت و زندگی جاوید و همیشگی می‌داند. این اعتقاد، پشتوانه نیرومندی برای احساس مسئولیت و پذیرفتن محدودیت‌های رفتاری است. جامعه دین مدار برای تحقق اهداف و برنامه‌های خویش، نیازمند انسان‌های معاد باور است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴.
۴. اسعدی، علیرضا، قرآن و مسأله معاد، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۱.
۵. اعرافی، علیرضا و همکاران، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و مبانی آن، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۸.
۶. امین، نصرت بیگم، معاد یا آخرین سیر بشر، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات گنبدهای فیروزه ای، ۱۳۸۷.
۷. امین، نصرت بیگم، مخزن العرفان، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱.
۸. امینی، ابراهیم، معاد در قرآن، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
۹. انیس ابراهیم و غیرهم، المعجم الوسیط، الثقافه الاسلامیه، ۱۳۶۷.

۱۰. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، ج ۲، قم، انتشارات اسراء، ۱۳۸۹.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، سیره رسول اکرم (ص) در قرآن، ج ۹، قم، انتشارات اسراء، ۱۳۸۷.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، معاد در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۰.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، یاد معاد، قم، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۰.
۱۴. حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی بتیان، ۱۳۸۷.
۱۵. حسینی طهرانی، سید محمدحسین، رساله سیروسسلوک بحرالعلوم، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف.
۱۶. حسینی همدانی، محمدحسین، انوار درخشان، تحقیق محمد باقر بهبودی، چاپ اول، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ ه.ق.
۱۷. داوودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، ج دوم، تربیت دینی زیر نظر علی رضا اعرافی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.
۱۸. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، تهران، آرایه، ۱۳۸۷ ه.ق.
۱۹. طباطبایی، سید محمد حسین، انسان از آغاز تا انجام، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۹.
۲۰. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۲۱. ۱۹. طباطبایی، سید محمد حسین، شیعه در اسلام، سید هادی خسروشاهی، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۲۲. ۲۰. طبرسی، فضل بن الحسین، جوامع الجامع، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ق.
۲۳. ۲۱. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۲۴. ۲۲. قمی، عباس، منازل الاخره، چاپ دوم، کاشان، انتشارات محتشم، ۱۳۸۶.
۲۵. ۲۳. متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، محقق، بکری حیانی، صفوه السقا، مقدمه مؤلف، ج ۱، ص ۳ - ۴، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ پنجم، ۱۴۰۱ ق.
۲۶. ۲۴. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحديث، ۱۳۷۷.
۲۷. ۲۵. مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقاید، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۲۸. ۲۶. مصباح یزدی، محمد تقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه اسلام، قم، انتشارات مؤسسه آموزش پرورش امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱.
۲۹. ۲۷. مطهری، مرتضی، زندگی جاویدیا حیات اخروی، چاپ نهم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴.
۳۰. ۲۸. مطهری، مرتضی، عدل الهی، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۲.
۳۱. ۲۹. مطهری، مرتضی، معاد، چاپ ششم، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷.
۳۲. ۳۰. مطهری، مرتضی، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی (جامعه و تاریخ)، صدرا، ۱۳۹۶.
۳۳. ۳۱. مکارم شیرازی با همکاری جمعی از فضلاء، ناصر، اخلاق در قرآن، چاپ سوم، قم، مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع)، ۱۳۸۱.
۳۴. ۳۲. مکارم شیرازی، عبدالله و دیگران، پیام قرآن، قم، هدف، ۱۳۷۲.
۳۵. ۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام، ج ۸، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. ۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.

۳۷. ۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، معاد و جهان پس از مرگ، قم، انتشارات سرور، ۱۳۸۴.
۳۸. ۳۶. نراقی، ملاحمد، معراج السعاده، قم، انتشارات علویان، ۱۳۹۰.
۳۹. ۳۷. نقیب زاده، میرعبدالحسین، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، تهران، انتشارات طهوری، ۱۳۸۶.

مقالات:

۱. شریفی، حسین و داوودی، محمد، روش های نهادینه کردن معاد تربیت دینی، وب سایت کتابخانه پژوهشکده تبلیغ و مطالعات اسلامی باقرالعلوم (ع).
۲. حسینی، سیدمهدی، موانع معاد باوری از منظر کتاب و سنت با تأکید بر رویکرد روان شناختی، ۱۳۹۴.
۳. داوودی، سعید، نقش معاد باوری در زندگی دنیایی انسان، خبرگزاری شبستان، تیر ۱۳۹۴
۴. کشاورز، سوسن، شاخص های تربیت دینی بانظر به آیات قرآن کریم، مجله پیوند، شماره ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹ ص ۱۸-۱۶، ۱۳۸۸.
۵. کشاورز، سوسن و زهری، محسن، ماهیت، اهداف، اصول و روش های معاد باوری در تربیت اسلامی مبتنی بر آیات قرآن کریم، فصلنامه علمی، پژوهشی، ۱۳۹۳ (تربیت اسلامی).

